

همراه با خلقهای جهان، علیه تجاوزگری و جنگ افروزی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکای جنایتکار



● فریادهای مرگ بر سر آمریکا در تظاهرات روز جمعه در ایران، در پیوند با تظاهرات وسیع مردم در آمریکای لاتین، همصدا با راهپیماییهای عظیم صلح و درارتباط با گوششهای وسیع اردوگاه سوسیالیسم برای استقرار صلح در جهان است. هیچکس نباید در مورد عزم راسخ و توانایی مردم دنیا در پاسداری از صلح و تمامی دستاوردهای بشری شک و تردید پیدا داشته باشد.

● امپریالیسم آمریکا همراه با همدستان اروپایی و ژاپنی اش مردم جهان را به انتخاب دو راه فرا می خواند: "بردگی یا مرگ"، یا غارت می کنیم یا تبدیل به خاکستر "این تعرض جهانی که محصول و نتیجه مغز کوچک سرمایه داران است، می تواند ماجراهایی بوجود بیاورد. و بوجود خواهد آورد، ولی آینده، زبونی و بی ثمری این تلاشها را نشان خواهد داد.

در صفحه ۲

معرفی کتاب صفحه ۶

به مناسبت ۱۰ نوامبر سالروز تأسیس
فدراسیون جهانی جوانان دمکرات (۱۹۴۵)

تاریخچه

جنبش بین المللی جوانان

● آغاز مبارزات جوانان به صورت متشکل به اوایل قرن نوزدهم می رسد. در طول این قرن به ویژه در نیمه اول آن به علت ضعف جنبش طبقه کارگر، جوانان زحمتکش، سازمان های خاص خود را نداشته و همراه با دیگر اقشار جوانان فعالیت می کردند. در این نیمه جوانان و به ویژه دانشجویان سازمان های خود را بوجود آوردند. این سازمان ها که به شکل "اتحادیه دانشجویان" بودند، در مبارزه علیه استبداد و ارتجاع فئودالی در کشورهای اروپایی و نیز در مبارزات رهایی بخش ملی خلقهای تحت ستم شرکت داشتند. توسعه جنبش توده های سوسیالیستی طبقه کارگر در کشورهای پیشرفته تر اروپایی در نیمه دوم قرن نوزدهم بتدریج باعث تجزیه و تفکیک در صفوف جنبش جوانان گردید. جوانان زحمتکش و مرفعی به جنبش طبقه کارگر پیوسته و یا از آن حمایت می کردند، درحالیکه سازمان های جوانان نیروهای محافظه کار نیز به فعالیت خود ادامه می دادند.

در اوایل قرن بیستم با وجود آمدن احزاب سوسیال - دمکرات در کشورهای اروپایی و قدرت مند شدن آنها، اتحادیه های جوانان سوسیالیست طبقه کارگر تقریباً در تمام کشورهای اروپا تشکیل شد. این اتحادیه ها به گسترش جهان بینی سوسیالیستی در بین جوانان کمک کرده علیه

بقیه در صفحه ۳

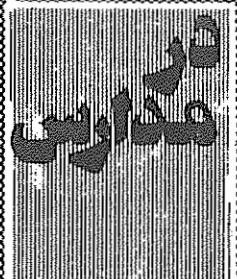
ویژه جوانان

شماره ۳ - چهارشنبه ۴ آذر ۱۳۶۰ - ۸ صفحه
ضمیمه ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

جریانهای بازدارنده انقلاب را از آموزش و پرورش طرد کنید

● روشن است که تصفیه بی رویه معلمین دلسوز و مجرب از آموزش و پرورش، کارشکنی در ثبت نام محصلین متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی، ایجاد تفرقه و تفاق بین دانش آموزان در محیط مدرسه و ... همگی مغایر مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی است و ریشه در جریان انحرافی و یا حتی دستهای مشکوک دارد.

در صفحه ۲



● یکسانی برنامه امتحانات اقدامی مفید

● طرح دوسره شدن مدارس و مشکلات آن

● در برپائی تعاونی های مدارس بکوشیم

● به استقبال امتحانات برویم در صفحه ۵۹۴

جوانان انقلابی میهنمان هر لحظه و در هر سنگر، آماده مبارزه با امپریالیسم جهانی
به سرکردگی آمریکای جنایتکارند

همراه با خلقهای جهان، علیه تجاوزگری و جنگ افروزی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکای جنایتکار

نظامی گری است. مردم می دانند که آینده جهان، وابسته به مهارکردن جنگ طلبان است. بدین سبب با اعتراض گسترده علیه سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیستی آنان را به محاکمه فرا می خوانند. اعتراضات وسیع، چنان مقامات آمریکایی را بیچاره کرده است که "هیگ" می گوید: "من نمی دانم چرا درست در زمانی که ما می خواهیم از موضع قدرت با شوروی سخن بگوئیم، احساسات صلح طلبانه در اروپای غربی بسط می یابد؟"

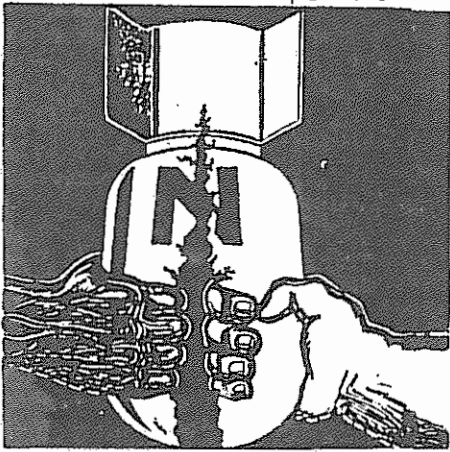
مردم می دانند که برای ریشه کن کردن قطعی خطر جنگ باید ریشه جنگ طلبی - سلطه جویی امپریالیستی - را خشکاند و به این دلیل است که علیه سلطه گری بپا خاسته اند.

فریادهای مرگ برامریکا در تظاهرات روز جمعه در ایران، در پیوند با تظاهرات وسیع مردم در امریکای لاتین، هم صدا با راهپیمایی های عظیم صلح و در ارتباط با کوشش های وسیع اردوگاه سوسیالیسم برای استقرار صلح در جهان است. هیچ کس نباید در مورد عزم راسخ توانایی مردم دنیا در پاسداری از صلح و تمامی دستاوردهای بشری شک و تردید داشته باشد.

* * *

جوانان انقلابی ایران!

همراه با مردم مبارزمیهن مان، همصدا با خلق های جهان، علیه جنگ افروزی، علیه تجاوزگری و علیه نظامی گری امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکای جنایتکار بپاخیزیم.



امپریالیسم در جریان اوضاع جهان، مدت هاست که ناقوس مرگ خویش را می شنود. سالهای بسیاری است که در بخشی ارجهان ساختمان سوسیالیسم بنا می شود. طبقه کارگر پیروزمند همچنان به استوارتر کردن مواضع خویش ادامه می دهد و هر روز نقش تعیین کننده تری را در حیات جامعه بشری ایفا می نماید.

در سالهای اخیر تضادهای جهان سرمایه داری بازمهم عمیق تر شده اند. سرمایه داری قادر نیست خود را از جنگال بحران عمومی که آنرا هر دم ضعیف تر می کند، رها سازد. اکنون جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری رشد چشمگیری یافته است. در این سالها جنبش های رهایی بخش هر روز اعتدای بیشتری می یابند، فقط در همین چند سال اخیر پیروزی انقلابهای ایران، نیکاراگوئه و گسترش مبارزه به السالوادور، امریکارا دیوانه کرده و دچار سراسیمگی ساخته است.

در یک کلام نتیجه تمامی روندهای بالا آنست که دگرگونی تناسب نیروها در جهان هر چه بیشتر به زیان امپریالیسم است. بدین لحاظ دولت امریکا با تولید دیوانه و اسلحه و تهدید نظامی می خواهد، تعادل نیروها را در صحنه جهانی برهم زند و به خیال خود با تلاش برای کسب برتری نظامی، جهان را به "دوران طلایی" پیشین، دوران عظمت و رهبری انحصارات سرمایه داری برگرداند. پیرو همین سیاست است که مقامات امریکا وقیحانه می گویند: "ما بازور از هر تحول انقلابی در منطقه خاورمیانه جلوگیری خواهیم کرد. وسیله این جلوگیری را نیز آماده کرده ایم و آن سپاه واکنش سریع است."

امپریالیسم امریکا همراه با همدستان اروپایی و ژاپنی اش مردم جهان را به انتخاب دوراه فرا می خوانند: "بردگی یا مرگ، یا غارت می کنیم یا تبدیل به خاکستر". این تعرض جهانی که محصول و نتیجه منز کوچک سرمایه داران است می تواند ماجراهایی بوجود بیاورد - و بوجود خواهد آورد - ولی آینده، زبونی و بی نمری این تلاشها را نشان خواهد داد.

چرا امروز خطر جنگ جدی است

مردم دنیا ما، به این عریذدگی ها چگونه پاسخی گفته اند؟ راهپیمایی ها، اجتماعات، سخنرانی ها، پیام ها و طوهارا فریاد دشمن خلق های جهان علیه

در خلیج فارس و منطقه خاورمیانه نیروهای "واکنش سریع" به دولت های انقلابی منطقه و جنبش های مردمی، جنگ و دندان نشان می دهد. این تلاش امپریالیستی تدارکی برای اشغال مستقیم و تجاوز به کشورهای خاورمیانه است.

دولت فاشیست امریکا بار دیگر برنامهریزی تولید سلاح های میکربی و نوترونی را آغاز کرده است. بمب نوترونی برای آنکه انسانها را نابود کند و ساختمانها را محفوظ نگهدارد.

پیمان ناتو طرح استقرار موشکهای با کلاهک اتمی را در اروپا، به تصویب رسانده است و این به معنی هرجه وسیعتر شدن گستره "مناطق نظامی شده" است.

پل هوایی کمک به دولت های نظامی امریکای لاتین (السالوادور - شیلی - آرژانتین و...) ایجاد کرده اند. دولت امریکا شرم نمی کند از این که بگوید در صورت به خطر افتادن منافعی، کوبا و نیکاراگوئه را به آتش خواهد کشید.

در این سوبازم، بار سوا شدن طرح "صلح" امریکایی کمپ دیوید، پرسش فهد مهره امپریالیست ها، طرح دیگری را به صحنه آورده است تا دولت های مرتجع منطقه را حول آن بسیج کند، دولت های مترقی و انقلابی را در خاورمیانه منزوی نماید و جنبش انقلابی در منطقه را خفه کند.

امریکا در منطقه صلحی را نوید می دهد که حافظ اسد دربارش چنین می گوید: "دشمنان ما با استفاده از راههای مختلف تلاش می کنند همچنان به تجاوز خود ادامه دهند. صلحی که ایالات متحده از آن دم می زند مطلقاً صحیح نیست، بلکه ادامه تجاوز و نیدیرفتن حقوق خلقهای منطقه است."

جان کلام، در چهار گوشه دنیا امروز نیروهای امپریالیستی مجهز به مرکباترین سلاحها، نه فقط استقلال و آزادی خلقها، بلکه زندگی انسانها را یکسر به بیسی تهدید می کند.

مقابله با تجاوزگری

آنچه تاکنون گفتیم، تصویری از تلاشهای جنگ افروزان امپریالیست هاست. دنیای ما امروز لحظات بسیار دشوار و خطرناکی را از سر می گذراند. اما چرا چنین است؟ چرا دولت امریکا در شرایط کنونی علناً از امکان بروز جنگ هسته ای سخن می گوید و برای آن تدارک می بیند؟ چرا خطر جنگ در شرایط امروز به مثابه خطری جدی، جامعه بشری را تهدید می کند؟

جریانهای بازدارنده انقلاب را از آموزش و پرورش طرد کنید

انحرافی بودن و ضدیت آن را نداد و گسترش انقلاب ما بر همه نیروهای آگاه و متعهد به انقلاب روشن است و این امر بیشتر از این جهت مورد تأکید است که این سخنان به یک فرد در آموزش و پرورش محدود نیست و فراوانند مسئولین و عناصری که با چنین دیدگاهها و نقطه نظرها در آموزش و پرورش مشغول بکارند و متاسفانه موقعیتها و اختیارات پراهمیتی نیز دارند.

انقلاب مادر روند پریار خود می رود تا دوستان و دشمنان خود را آنچنان که باید بشناسد و در پرتو همبستگی برادرانه با کشورهای دوست، مبارزه بقیه در صفحه ۸

شعار مرکب امریکارا که می بایست محور مراسم این روز بزرگ باشد در کنار شعارهای انحرافی دیگر به دست فراموشی سپردند. ایشان در سخنرانی خود به این پسنده تکرده و با نسبت دادن اتهامات واهی و دروغین به کشورهای دوست و برادر ما الجزایر، لیبی، سوریه و کوبا، آنان را وابستگان و دست نشاندهان کشور اتحاد شوروی قلمداد کرده و انبار اسلحه شوروی نامیدند.

اتکا ما به سخنان مدیر آموزش و پرورش ناحیه ۲۰ از آنروست که ایشان در این سخنرانی خود، ایده های مغایر با انقلاب را افشاء کردند و با صراحت به دفاع از خطی پرداخته اند که امروز

روز ۱۳ آبان ماه، براساس برنامه های که از قبل تدارک دیده شده بود، دانش آموزان و فرهنگیان ناحیه ۲۰ آموزش و پرورش (شهری) در صحن حرم شاهزاده عبدالعظیم گرد آمده و خاطره این روز را کرامی داشتند. بخشی از برنامه به سخنرانی رئیس آموزش و پرورش این ناحیه اختصاص یافته بود. ایشان در سخنرانی خود، ضمن پرداختن به مطالب کوباکون و از جمله اشغال جاسوخانه آمریکا، تکیه اصلی را در پوشش تأکید بر استقلال و عدم وابستگی جمهوری اسلامی ایران، بر یکسان جلوه دادن دوستان و دشمنان انقلاب ما در سطح جهان قرار دادند و با مخدوش کردن مرز میان دوستان و دشمنان،

تاریخچه جنبش بین‌المللی جوانان

استثمار سرمایه‌داری مبارزه کرده و تبلیغات ضد ملیتاریستی را رهبری می‌کردند. دانشجویان در مبارزات جوانان این دوره نقشی بسیار مهم داشتند. در روسیه جوانان دانشجوی رادیکال در طول انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۰۷ در صفوف پرولتاریای انقلابی جنگیدند. لنین در این باره می‌نویسد که: "دانشجویان رادیکال که در سنت پترزبورگ و مسکو شعارهای سوسیال-دمکراسی انقلابی را پدیدرفتند، پیشر و تمام نیروهای دمکراتیک هستند... این نیروها بیشتر به مبارزهای قاطع و واقعی علیه دشمن قسم خورده، مردم روسیه کشیده شدند تا به سیاست معامله با حکومت مطلقه".

اولین کنفرانس بین‌المللی سازمان‌های جوانان سوسیالیست در ۱۹۰۷ در استوئنگارت تشکیل و تصمیم به ایجاد انترناسیونال جوانان سوسیالیست گرفت. این انترناسیونال بصورت کنفرانسی در ۱۹۱۵ در برن تشکیل گردید. در این زمان جنگ جهانی اول در جریان بود. کنفرانس جنگ را بدستی، جنگی امپریالیستی ارزیابی کرد ولی بعلت غلبه نظرات انحرافی، کنفرانس از صدور قطعنامه پیشنهادی نایب‌ده حزب بلشویک روسیه مبنی بر لزوم استفاده از روش‌های انقلابی مبارزه علیه جنگ خودداری کرد. بطور خلاصه در این دوره سازمان‌های طیفاتی جوانان زحمتکش بوجود می‌آیند و بصورت بین‌المللی با همدیگر متحد می‌گردند. این سازمان‌ها در این دوره عمدتاً به امر تبلیغ و ترویج ایده‌های سوسیالیستی و برضد ملیتاریسم و جنگ بین جوانان مشغول هستند.

پیروزی انقلاب اکتبر همانگونه که چهره جهان را دگرگون کرده و مارا وارد در دنیای نوین دوران گذار به سوسیالیسم در سطح جهانی ساخت، روی مبارزات و جنبش جوانان نیز از نظر شکل و مضمون تأثیراتی بس جنبش گذاشت. جنبش جوانان انقلابی تحت تأثیر اکتبر رشدی عظیم یافت و موجی از حرکت در بین جوانان در سراسر جهان شروع شد. در ۱۹۱۸ سازمان جوانان کمونیست روسیه (کسومول) بوجود آمد. در ۱۹۱۹ پس از تشکیل انترناسیونال کمونیست (کمیترن)، کمیته مرکزی کسومول پیشنهاد تشکیل انترناسیونال جوانان کمونیست را کرد. کنگره موسس این انترناسیونال در همان سال در برلین برگزار شد و بدین ترتیب جنبش بین‌المللی جوانان کمونیست یک مرکز سازماندهی پیدا کرد. کنگره بین‌المللی سازمان‌های دانشجویان سوسیالیست و کمونیست که در آن سال برگزار شد، حمایت خود را از انترناسیونال جوانان کمونیست اعلام کرد و به آن پیوست.

غلبه رهبری رفرمیستی بر احزاب سوسیالیست، باعث شد که برخی از فعالان جوان به کل رهبری حزبی جنبش جوانان بی‌اعتقاد شده و گرایش‌های نادرست مبنی بر بی‌اعتدالی به رهبری احزاب کارگری مابین آنها رشد کند. آنان معتقد بودند سازمان جوانان کمونیست، خود باید بجای احزاب کارگری، وظیفه پیشترو جنبش کارگری را عهده‌دار گردد. از اینرو کنگره سوم کمیترن تصویب کرد که سازمان‌های جوانان کمونیست در ضمن حفظ استقلال تشکیلاتی باید تابع رهبری سیاسی احزاب کمونیست باشند. همچنین کمیترن پیشنهاد و نظریه تشکیل جبهه واحد انقلابی با سایر نیروها را مطرح کرد که در تعقیب آن انترناسیونال جوانان کمونیست به انترناسیونال جوانان سوسیالیست پیشنهاد جبهه علیه تهدید جنگ امپریالیستی را کرد، ولی سوسیالیست‌ها آن را نپذیرفتند.

در دهه ۱۹۳۰ با اوجگیری تهدید فاشیسم، کنگره ششم انترناسیونال جوانان کمونیست از جوانان خواست که مسأله تشکیل سازمان‌های دمکراتیک - توده‌ای ضد فاشیستی غیر حزبی را پیش ببرند. بدین ترتیب سازمان‌های جوانان کمونیست در مبارزه مشترک علیه فاشیسم به سازمان‌های جوانان سوسیالیست نزدیکتر شده و در برخی کشورها مثل فرانسه و بلارستان انجمن‌های مشترکی بوجود آوردند. در این جبهه متحد سازمان‌های جوانان استقلال تشکیلاتی خود را حفظ

ولی بر اساس توافق بر سر مسایل ضروری مبارزه بخاطر حقوق جوانان و علیه ارتجاع و فاشیسم همکاری می‌کردند. در این دهه چندین کنگره و کنفرانس بین‌المللی جوانان و دانشجویان علیه جنگ تشکیل گردید. جنبش ضد جنگ جوانان که حدود ۴۰ میلیون عضو داشت، خیزش نوینی را برای جنبش دمکراتیک جوانان در سالهای بعد پایه‌گذاری کرد. مثلاً در طول جنگ انقلابی ملی مردم اسپانیا (۱۹۳۹ - ۱۹۳۶) حدود چهل هزار جوان انترناسیونالیست از ۵۰ کشور جهان در دفاع از جمهوری اسپانیا در آن کشور جنگیدند. در این دوره تا جنگ جهانی دوم انجمن‌های بایوش‌های گوناگون بوجود آمدند که ده‌هاشان منحرف کردن جوانان از شرکت فعال در مبارزه سیاسی و جلب توجه آنها به "مسایل خاص خودشان" بود. علاوه بر همین دوره سازمان‌های ارتجاعی فاشیستی جوانان نیز بوجود آمد، که در کشورهای اسپانیا، سازمان‌های فوق بصورت بخشی از ماشین دولتی - حزبی فاشیسم در آمدند.

با شروع جنگ جهانی دوم میلیون‌ها زن و مرد جوان به‌مقابله با فاشیسم برخاستند. در این دوره شرکت عملی در جنگهای مقاومت و جنگهای میهنی و ضد فاشیستی و حفاظت از سوسیالیسم و آزادی، مضمون اساسی فعالیت جوانان کمونیست را تشکیل می‌داد. آنها در صفوف ارتش‌های متفقین می‌جنگیدند و یا در نهضت‌های مقاومت ملی در کشورهای اشغال شده فعالیت داشتند. نقش جوانان و بویژه جوانان کمونیست در دفاع از انجمن شوروی در مقابل تهاجم فاشیسم هرگز فراموش نخواهد شد. در شرایط جنگ، همبستگی بین‌المللی جوانان قویتر شد و چندین کنفرانس بین‌المللی برگزار گردید، و بدین ترتیب راه برای اتحاد بین‌المللی جوانان بعد از جنگ هموارتر گردید.

کنفرانس جهانی جوانان دمکرات در ۱۹۴۵ در لندن برگزار شد و در اجلاس نهایی کنفرانس در ۱۰ نوامبر تصمیم گرفته شد که "فدراسیون جهانی جوانان دمکرات" تاسیس شود تا تفاهم و همکاری متقابل در بین جوانان را در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در زندگی و در مبارزه علیه ستم اجتماعی، ملی و نژادی مبارزه برای صلح و امنیت مردم جهان و حقوق جوانان تسریع کند. مضمون فعالیت فدراسیون فوق دقیقاً در رابطه با نیازهای انقلاب جهانی در بعد از جنگ جهانی امپریالیستی قرار داشت. از همین سال ۱۰ نوامبر بعنوان روز بین‌المللی جوانان شناخته شده است. در سال ۱۹۴۶ نخستین کنگره بین‌المللی دانشجویان در پراگ برگزار شد و در آن "اتحادیه بین‌المللی دانشجویان" پایه‌گذاری گردید که هدف خود را مبارزه علیه فاشیسم و استثمار و مبارزه بخاطر صلح، پیشرفت اجتماعی، اصلاح دمکراتیک آموزش و حقوق دانشجویان اعلام نمود. فعالیت‌های "فدراسیون" و "اتحادیه" بزودی با مخالفت عناصر و جریان‌های محافظه‌کار و ضد دمکرات مواجه شد و برای مقابله با این تشکلهای سازمان‌های کوچک و بزرگ جوانان و دانشجویان بوجود آمدند. این سازمان‌ها "اتحادیه بین‌المللی جوانان سوسیالیست" بود که رهبران آن آشکارا دستگیری و موضع محافظه‌کارانه خود را اعلام کردند، و نیز "کنفرانس بین‌المللی دانشجویان" که در حقیقت مرکز مقابله با "اتحادیه" بود.

در این زمان و در شرایطی که جنبش جوانان دچار انشعاب شده بود، "فدراسیون جهانی جوانان" دمکرات و "اتحادیه" بین‌المللی دانشجویان مبارزه فعالانه‌ای را علیه جنگ سرد و تجاوزات امپریالیستی آغاز کردند. آنها از مبارزات خلقهای کره، ویتنام و الجزایر حمایت فعال کرده و جوانان را به مبارزه در راه دفاع از انقلاب کوبا فراخواندند. آنها کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی مختلف برای بررسی مسایل تقویت صلح، نابودی سیستم استعماری و مبارزه بخاطر حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

جوانان و دانشجویان برگزار کردند. با تقویت این دو سازمان بین‌المللی، سایر مجامع دچار تفرقه و انشعاب گردیده و بسیاری از سازمان‌های جوانان در اعتراض به خط مشی و سیاست این مجامع از آنها بیرون آمدند. بعد از سال ۱۹۶۷ که مجله "امپارت" آمریکایی اسناد مدارکی دال بر ارتباط رهبران این مجامع با سازمان جاسوسی "سیا" منتشر کرد، این مجامع با بطور کلی متلاشی ویا دچار انفعال و تفرقه گردیدند.

در دهه ۱۹۶۰ رهبری چین سیاست انشعاب در جنبش دمکراتیک جوانان را در پیش گرفت و با آغاز "انقلاب فرهنگی" در چین، نمایندگان جوانان چین از شرکت در میتینگ‌های جوانان و فعالیت در "فدراسیون" و "اتحادیه" سر باز زدند. تحت تأثیر افکار انحرافی رهبران چین جنبش با اصطلاح "چپ‌تو" در میان جوانان در برخی کشورها تقویت شد که باعث تفرقه و انحرافات زیادی در جنبش بین‌المللی جوانان گردید. با آشکار شدن سازش رهبران چین با امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا این جنبش با اصطلاح چپ نو تیز می‌رود که زمینه‌های وجودی خود را از دست بدهد.

در نیمه دوم دهه ۶۰ و آغاز دهه ۷۰، جنبش جوانان و دانشجویان دمکرات در اکثر کشورهای سرمایه‌داری وسیعاً "اوج گرفت". در ۱۹۶۸ در ۵۰ کشور سرمایه‌داری و ۱۹۷۱ در ۷۰ کشور جوانان فعالیت سیاسی داشتند. از مهمترین این مبارزات، جنبش ماه مه ۱۹۶۸ در فرانسه بود که جوانان و بخصوص دانشجویان نقش فعالی در آن ایفا کردند.

در همین دوره سازمان‌های جدید مارکسیستی جوان پایه‌گذاری شده و فعال گشتند. برای نمونه در آمریکا، اتحاد کارگران جوان برای آزادی (تاسیس در ۱۹۶۹)، در آلمان فدرال، کارگران جوان سوسیالیست آلمانی (۱۹۶۸) و انجمن دانشجویان مارکسیست (۱۹۶۹) که با نام اسپارک‌اوس نیز مشهور است، اتحادیه جوانان کمونیست کانادا (۱۹۷۰) و جوانان کمونیست اتریش (۱۹۷۰) و... در سالهای هفتاد سازمان‌های جوانان کمونیست در برخی کشورها فعالیت کردند و به مبارزاتی در راه حقوق دمکراتیک، علیه انحصارات و برای صلح دست زدند که مورد پشتیبانی سایر جوانان قرار گرفت. برای مثال در فرانسه جوانان از جنبش "جوانان سرمایه‌داری را متهم می‌کنند" که بوسیله جنبش جوانان کمونیست فرانسه سازمان یافته بود حمایت فعال کردند.

سازمان‌های جوانان دمکرات و اتحادیه بین‌المللی دانشجویان هرروز بخش عظیمتری از جوانان مبارز و متفرقی را در خود متشکل می‌کنند و در بسیاری از سازمانهای جوانان بخصوص سازمانهای جوانان سوسیالیست گرایش‌های رادیکال تری غالب گردیده است. در کنار این گرایش‌های متفرقی، برخی جریان‌های افراطی راست نیز شکل گرفته که بخش کوچکی از جوانان را دربر می‌گیرد. این جریان‌های سازمانهای فاشیستی و نئوناشیستی جوانان هستند که در سالهای بعد از جنگ در کشورهای مانند آمریکا، آلمان فدرال و ایتالیا شکل گرفته‌اند.

در سالهای هفتاد گرایش به تشنج‌زدایی بین کشورهای با سیستم‌های مختلف اجتماعی فرصت‌های مناسبی برای نزدیکی سازمانهای گوناگون جوانان پدید آورده است و کنفرانس‌هایی در مورد مسائل امنیت و بخاطر دفاع از صلح و غیره تشکیل شده‌اند. پس از فروپاشی سیستم استعماری، جنبش جوانان و دانشجویان در کشورهای آزاد شده نیز تقویت گردید و آنان فعال‌تر به صفوف بین‌المللی جوانان و دانشجویان دمکرات پیوستند و در دهه‌های اخیر یکی از چشمگیرترین فعالیت‌های جنبش بین‌المللی جوانان در حمایت از جنبش‌های رهایی بخش ملی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بوده است.

بدین ترتیب جنبش بین‌المللی جوانان پس از گذراندن فراخبل مختلفی از حیات خود وارد مرحله نوینی شده است. اکنون با تقویت گرایش‌های متفرقی در جنبش جوانان، ما شاهد اتحاد هرچه وسیع‌تر بین صفوف این جنبش در مبارزه قاطع علیه ارتجاع و امپریالیسم و کوشش خستگی‌ناپذیر برای استقرار صلح، سوسیالیسم دمکراسی و استقلال ملی هستیم.

در مدارس



به استقبال

امتحانات برویم

عده‌ای نیز شاید عادت کرده‌اند بهترین اوقات روزشان را به ورزش و بازی و یا تماشای برنامه‌های تلویزیون اختصاص دهند و بعد که کاملاً خسته شدند تازه به یاد درس‌هاشان می‌افتند. پیداست که در این صورت در پیشبرد برنامه‌های درسی خویش موفق نیستند و به هنگام ارزشیابی و امتحان نیز نتیجه خوبی عایدشان نخواهد شد. اما اگر تاکنون چنین بوده است و از درس‌ها عقب افتاده‌ایم، نباید امید و پیگیری را از دست داد. هنوز در ابتدای سال تحصیلی هستیم و فرصت بسیاری برای رفع اشکالات و جبران اشتباهات و نقایص هست. و آنچه در این میان نقش کلیدی و اساسی دارد، نظم و برنامه‌ریزی و بازهم نظم و برنامه‌ریزی است. استفاده مفید از ساعاتی که در کلاس هستیم، اختصاص ساعات معینی برای مطالبی که هرروز در کلاس فرا گرفته‌ایم، ایجاد تعادل بین تمامی وظایف خانوادگی، اجتماعی، درسی و... که بر دوشمان است و تنظیم اوقات معین برای هریک و هردن دادن حتی یک لحظه، تقسیم صحیح وقت به کار جدی و استراحت و تفریح و تمامی مسائلی دیگر از این دست، کمک جدی به پیشرفت در این امر خواهد کرد.

اما برخورد فردی با اشکالات و نقایص کار، فقط بخشی از حرکتی است که باید انجام پذیرد. بخش دیگری که بیشتر روی آن تاکید می‌کنیم مسئولیت هر کدام از محصلین در قبال مجموعه کلاس است. آن کلاسی حق دارد به نتیجه فعالیت سه‌ماهه خود ببالد که کلیه محصلین آن سر بلند از امتحان بیرون آیند و نمرات پائین در کارنامه هیچ‌کدام از آنها یافت نشود. نه آن کلاسی که تعدادی شاگرد ممتاز دارد و در کنار اینها عده‌ای دیگر به انتظار تجدیدی و یا مردودی در پایان سال هستند. آن کلاسی نمونه است که افرادی موفق شده باشند با اتحاد و تلاش جمعی، سطح دانش تمامی دوستان خود را ارتقاء دهند و شاگردان ضعیف را نیز برای گرفتن نمره خوب آماده سازند. توجیه دوستانمان، یافتن مشکلات و گرفتاری‌های آنان و کوشش در جهت حل آنها به کمک بقیه افراد کلاس وظیفه‌ای است که امروز به عهده همه دانش‌آموزان و به‌ویژه دانش‌آموزان آگاه و انقلابی است.

دانش‌آموزان آگاه و متعهد!

بی‌شک در کلاس شما نیز هستند محصلینی که به دلیل مشکلات مختلف خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی یا به دلایل دیگری مثل بازیگوشی و سهل‌انگاری در فراگیری دروس، در وضعیت نامساعدی از لحاظ درسی هستند. اگر به این بچها توجه نشود، قطعا در

● به آغاز امتحانات ثلث اول چیزی نمانده است. پس از سه ماه بالاخره جاصل کار و فعالیت ما در این مدت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. باید خود را برای این ارزیابی آماده کنیم و این فرصت خوبی است که فعالیت درسی خود را بررسی کرده و ببینیم آیا توانستیم آنطور که برنامه‌ریزی کرده بودیم حرکت کنیم یا اصلا برنامه‌ای نداشتیم و امروز می‌خواهیم تمام کارهای انجام نشده را یکباره انجام دهیم؟ به هر ترتیب هر اشکالی که تاکنون در یادگیری دروس وجود داشته، باید علت‌یابی شود. شاید در کلاس درس حواس خود را به قدر کافی متمرکز نکرده‌ایم. برنامه‌های خسارچ از مدرسه خودمان را بار دیگر مرور کنیم. ممکن است دلیل عقب‌ماندگی بی‌نظمی در انجام تکلیف یا عدم تعادل بین وظایف مختلف، تنظیم اوقات بازی و اوقات کار و مطالعه بوده است.

عده‌ای از دانش‌آموزان، دچار مشکلاتی ویژه هستند و همین امر موجب شده که نتوانند وظایف تحصیلی خود را به درستی انجام دهند. بعضی از دوستان ما به دلیل نیاز اقتصادی نیمی از وقت‌شان را مجبورند که کار کنند و به همین دلیل از بقیه بچه‌ها عقب مانده‌اند

طرح دوسره شدن مدارس و مشکلات آن

● طرح دوسره شدن مدارس که امسال در برخی مناطق تهران و بعضی شهرستان‌ها پیاده شد، به دلیل مشکلات موجود، اعتراضاتی را در سطح دانش‌آموزان و معلمان به همراه داشته است. این مشکلات ناشی از پارهای کمبودهای مهم در آموزش و پرورش چون کمبود فضای آموزشی و کمبود معلم، همچنین دوری مدرسه از خانه در شهرهای بزرگ، تهیه ناهار در مدرسه و غیره است. دوسره شدن مدارس از آنجا که فرصت بیشتری برای یادگیری دروس در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد طرحی مثبت و انقلابی است و باید یکی از اهداف درازمدت آموزش و پرورش ما باشد. اما باید توجه داشت که با طرح‌ها و ایده‌ها هرچند که در مجموع خود سازنده و پیشرو باشند، نمی‌توان بطور مجرد و جدا از شرایط و زمینه‌های موجود برخورد کرد و آنها را به اجرا درآورد. ابتدا باید زمینه‌های لازم را ایجاد کرد و سپس دست به کار اجرا شد. در غیر این صورت، عدم انطباق این طرح، مشکلات متعددی را در پی دارد و به جای آنکه پیشرفتی در کار حاصل کند، بیشتر منشاء زیان و افزایش مشکلات می‌شود. طرح دوسره کردن مدارس در شرایط کنونی، مصداق همین امر است. به گفته آقای نجفی علمی مدیرکل تربیت معلم: هیچکس با نفس دوسره شدن مدارس مخالف نیست چرا که این روش سطح آموزشی را بالا می‌برد اما مادام که امکانات لازم برای حداکثر مردم فراهم نیامده، دوسره کردن مدارس

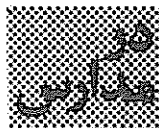
امتحانات آتی و در پایان سال با شکست مواجه خواهند شد اما کوشش و تلاش جمعی کلاس چمباتاثر تعیین‌کننده‌ای در وضعیت آنان داشته باشد. برای کمک به این محصلین و کوشش در جهت هماهنگ کردن سطح کلاس، یکی از تدابیر مفید، تشکیل گروه‌های کمک‌درسی با مسئولیت دانش‌آموزان قوی‌تر هر کلاس است. در این گروه‌ها، علاوه بر آنکه دانش‌آموزان ضعیف‌تر از کمک شاگردان منتباز کلاس بهره‌مند می‌شوند، کمک جمعی و کنترل گروه نیز بر برنامه‌های اعضای خود، بسیاری از مشکلات را حل می‌کند. تجربه نشان داده است که تشکیل گروه‌های کمک‌درسی نه تنها دانش‌آموزان را به حرکت وامی‌دارد و آنها را برای امتحانات

تنها به نفع مستکبرین خواهد بود زیرا آنها از همه امکانات برخوردارند در شرایطی که برخی از مدارس حتی سه‌نوبته است، دوسره کردن مدارس کار درستی نیست... پیش از اجرای این طرح می‌بایستی مسائلی مانند فضای آموزشی و نیروی انسانی به‌ویژه در سطح دبیرستان‌ها تامین شود. اجرای طرح، گویی به مشکلاتی از این قبیل توجه ندارند که بسیاری از فرزندان زحمتکش مجبورند نیمی از روز را برای کمک به تامین معاش خانواده خود کار کنند و با اجرای طرح دوسره شدن مدارس اغلب این عده از تحصیل محروم می‌شوند و یا دانش‌آموزان روستایی به‌ویژه دختران که به دلیل فقدان مدرسه در روستاها مجبورند چند کیلومتر راه را طی کرده برای تحصیل به شهر بیایند با اجرای طرح دوسره شدن اغلب ناچارند درس و مدرسه را ترک گویند، زیرا دیر تعطیل شدن مدرسه با شرایط آنها انطباق ندارد. این طرح برخلاف نظر مسئولین، در حال حاضر نه تنها کیفیت آموزشی را بالا نمی‌برد، بلکه در برخی موارد باعث پائین آمدن آن نیز می‌شود. برای مثال در تبریز، با اجرای طرح دوسره شدن در مدارس که قبلاً دو نوبته بودند نوبت اول و دوم آنها در هم ادغام شده است. در نتیجه این کار، فضای کلاس‌ها گنجایش دانش‌آموزان را ندارد و این امر موجب شده کیفیت کار نزول کند با وجود مشکلات کنونی و عدم وجود شرایط مناسب بایستی در این طرح تجدیدنظر صورت گیرد. امید است دست‌اندرکاران و مسئولین امر با مسائلی از این دست، واقع‌بینانه برخورد کرده و با یاری گرفتن از فرهنگیان و دانش‌آموزان انقلابی در جهت رفع کمبودهای رفاهی و آموزشی محصلین و ایجاد زمینه‌های مناسب برای اجرای اینگونه طرح‌های مثبت گام بردارند.

آماده‌تر می‌سازد، بلکه خود عاملی در تقویت روحیه همبستگی و وفات بین دانش‌آموزان است و خصائل انسانی را نیز در آنها پرورش می‌دهد. معلمین دلسوز و زحمتکش نیز در تشکیل این گروه‌ها، توضیح اهداف و کنترل عملکرد آنان و تشریح اهداف آنان می‌توانند کمک شایان توجهی به کلاس بکنند. امید آن داریم که با رفع معایب کارهای خود را در امر تحصیل، با تشکیل گروه‌های کمک‌درسی در کلاس‌ها، این فعالیت جمعی را در میان دوستانمان سازمان دهیم و دست در دست هم با هدف پیروزی همه دانش‌آموزان کلاس، سرفراز از نتایج امتحانات باشیم.

■

سال تحصیلی جاری را به سال اتحاد، سال رزم مشترک و متحد علیه دانه‌های امپریالیسم جهانی سرگردگی امریکای حاکمان تبدیل کنیم.



درب‌پائی تعاونی‌های مدارس بکوشیم

نهاد استفاده کنند .
در مدرسی که تعاونی تشکیل شده ، دانش‌آموزان آگاه وظیفه دارند با فراخوان تصدات هرچه وسیعتر از دوستان خود بسوی تعاونی وتشویق به‌خريد سهام ، درگسترش وتحکیم این نهادسازنده و مردمی تلاش ورزند .

آنچه دراین میان قابل ذکر است ، آن است که حرکت برای ایجاد تعاونی‌ها باید بدور ازهرگونه گروه‌گرایی وانحصارطلبی باشد وتامی دانش‌آموزان باید امکانات خود را در ایجاد فروشگاههای تعاونی بکارگیرند . اصل تعاون و همکاری با گروه‌گرایی مفایر است وتحمیل نظرات گروهی ومحدود کننده ، کار تعاونی را به شکست منتهی خواهدکردولذا از اجرای اهداف ارزشمند آن جلوگیری خواهد نمود .

از مسوولین مدارس انتظار می‌رود که با همراهی در امر ایجاد و گسترش تعاونی‌ها ، برخوردی جدی ومسولانه داشته باشند . متأسفانه تا بحال باوجود نیازی که در ایجاد این نهاد در مدارس بچشم می‌خورده ، هنوز برنامه‌ای ازسوی وزارت آموزش و پرورش ارایه نشده و در تشکیل تعاونی‌های مدارس پراکندگی و ناهماهنگی حکمفرماست .

مسوولین امر باید با تهیه اسانامه واحدی برای تعاونی‌ها ، دراین امر هماهنگی لازم را ایجاد کنند و با ترتیب برنامه‌های توضیحی وتبلیغی ، دانش‌آموزان ، معلمان واولیان به همکاری ومشارکت صمیمانه در تشکیل تعاونی‌ها فراخوانند .

بکوشیم با همیاری مسوولین آموزشی ، اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را - با تشکیل تعاونی‌ها- در مدارس ، تحقق بخشیم ودر یاری و سالم سازی هرچه بیشتر فضای آموزشی گامی به‌جلو برداریم .

مسوولین امر باید با تهیه اسانامه واحدی برای تعاونیها ، در این امر هماهنگی لازم را ایجاد کنند و با ترتیب برنامه‌های توضیحی وتبلیغی ، دانش‌آموزان ، معلمان و اولیا را به همکاری ومشارکت صمیمانه در تشکیل تعاونیها فراخوانند .

تعاونی مدرسه ، از جمله فعالیت‌های فوق برنامه‌ای است که زمینه‌های اتحاد و همبستگی آنان را حول برخی خواسته‌های مشترک صنفی‌شان فراهم می‌سازد و امکانات دیگری را نیز جهت سازماندهی فعالیت جمعی دانش‌آموزان بوجود می‌آورد که در مسایل مختلف مدرسه می‌تواند بکار گرفته شود برای مثال اعضای تعاونی بطور جمعی می‌توانند در امر نظافت مدرسه وتعمیر و ترمیم آن ، مسوولین یاری کنند ، در واقع تعاونی‌های مدارس از زوایای گوناگون در خدمت مبارزه ضد امپریالیستی قرار می‌گیرد . بهمین دلیل دانش‌آموزان آگاه و انقلابی موظفند حداکثر توان خود را در تشکیل این نهادها در مدارس بکار گیرند و با توضیح ضرورت تشکیل تعاونی‌ها و آشنا کردن دوستان خود با اصول ، اهداف وظایف آن ، نیروی هرچه بیشتری از محصلین را برای ایجاد فروشگاههای تعاونی بسیج کنند ، با مسوولین امور تربیتی در مورد تاسیس تعاونی صحبت کنند واز یاری آنها دراین زمینه بهره‌گیرند . علاوه برآن با تشویق اولیا خود وتوضیح اهداف تعاونی از همکاری وامکانات آنان برای برآنداختن این

امروز دیگر کلمه " تعاونی " برای توده مردم و از جمله دانش‌آموزان ما واژه‌ای دور از ذهن و غریب نیست . هرروز در گوشه‌های مختلف ایران صحبت از تشکیل و گسترش تعاونی‌هاست .

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، گسترش بخش تعاونی را در تمام سطوح پیش‌بینی نموده و آن را یکی از بخشهای مهم اقتصاد کشور قرار داده است . اخیراً حتی سخن از تدارک طرحهایی برای تشکیل وزارت تعاون در میان است .

فشار ومحصار اقتصادی از سوی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکاکه موجب کمبود بسیاری از کالاهای اساسی را فراهم ساخته ، احتکار مواد موجود توسط سرمایه داران وتجار بزرگ ، همچنین فشار واسطه‌ها که در گرانی کالاهای بطور مشخصی تاثیر گذارده‌اند ، موجب آن شده که تسوجسه جدی‌تر به مساله تعاونی‌ها بشود .

تشکیل تعاونی‌ها ، همانگونه که خواست مردم ما در محلات ، روستاها ، کارخانجات و ... است ، در مدارس نیز مورد نیاز یکی از خواسته‌های اساسی دانش‌آموزان است .

امروز ، نیازهای توده محصلین در مدرسه با روشی اصولی را ، تشکیل تعاونی‌ها پاسخ درست می‌دهد . تجارب عملی دانش‌آموزان ومسوولین مدارس در این مورد نشان می‌دهد که ادعای فوق کاملاً منطبق با واقعیت است . علاوه بر اینها ، شور وعلاقه دانش‌آموزان به فعالیت جمعی جهت رفع برخی مشکلات موجود در مدرسه - بخصوص با فراهم شدن زمینه برای فعالیت‌های سالم وسازنده در سال جاری - به ایجاد تعاونی‌ها کمک بسیار می‌کند .

فروشگاههای تعاونی در مدارس ، برای رفع نیازهای مختلف محصلین در مدرسه ، باقیمت ارزان ومناسب تلاش می‌کند ، اما خطاست اگر هدف تعاونی‌ها را فقط در این وجه خلاصه کنیم . هدف دیگر از ایجاد این نهاد که از اهمیت بسیاری نیز برخوردار است - پرورش روحیه تعاون و همکاری در میان دانش‌آموزان می‌باشد .

میهن ما به جوانانی نیازمند است که منافع جمع را بر فرد ترجیح دهند ، نسبت به جامعه و نیازهای مسولانه برخورد کنند و سربازان عشق به کار و بیدیش مسوولیت برای حل مشکلات باشند .

بی‌شک ، تربیت چنین جوانانی ، علاوه بر توجه دقیق پدران ومادران در خانواده ، منوط بدان است که آنها در نظام آموزشی نوینی منطبق با نیازهای جامعه انقلابی ما ، مورد تعلیم وتربیت قرار گیرند .

تعاونی‌های مدارس ، از آنجا که با کمک داوطلبانه دانش‌آموزان و با همیاری ومشارکت آنان برای رفع برخی مشکلات مدرسه تشکیل می‌شود و بدین دلیل که روحیه مسوولیت پذیری ، کار دوستی وتعاون را در آنها تقویت می‌کند ، می‌تواند در خدمت بی‌ریزی نظام آموزشی نوین قرار گیرد .

فعالیت وشرکت سازنده محصلین در فروشگاه

دومدارسی

یکسانی برنامه امتحانات اقدامی مفید وسازنده

اخیرا دست‌اندرکاران آموزش و پرورش تصمیمی منطقی ومثبت جهت برگزاری امتحانات درسی نوبت اول ودوم مدارس اتخاذ کرده‌اند . بر طبق این تصمیم ، مثلاً برنامه امتحانات نوبت اول در اواخر آذرماه بطور یکسان وهمزمان در سطح تمام مدارس به اجرا درمی‌آید . چنین روشی در سالهای گذشته به هیچ وجه معمول ومتداول نبود و برنامه آزمایشات درسی در طی سال تحصیلی با بی‌نظمی و اغتشاش به اجرا درمی‌آمد .

از نکات مثبت وطرح اعلام شده فوق این است که اولاً با برنامه‌ریزی یکنواخت . تداخل و برخوردی در زمان اجرای امتحانات وآزمون بوجود نخواهد آمد . زیرا بر طبق این طرح از هر درس و کتابی در روز معینی امتحان بعمل می‌آید . در اینجا برنامه اعلام شده ، نظر رسمی هر مدرسه است و تنها مربوط به معلم وشاگرد یک کلاس نمی‌شود ، لذا همه کلاس‌ها ومربیان موظف به اجرای چنین برنامه منظمی هستند ثانیاً با پیشرفت چنین طرحی ، دانش‌آموزان در زمان‌های طولانی درگیر امتحانات مختلف نخواهند بود وقیل وبعد از اجرای " هفته امتحانات " تمرکز حواس بیشتری نسبت به دروس وبرنامه‌های کلاسی خود خواهند داشت . حال آنکه در گذشته با پیش‌آمدن زمان هر امتحانی ، از آنجا که ذهن دانش‌آموزان متوجه این موضوع می‌گشت به امر آموزش و پیشرفت سایر دروس لطمه وارد می‌شد . علاوه بر اینها ، بر طبق طرح مزبور واحدهای درسی مختلف در همه مدارس می‌توانند به یک نسبت پیشرفت داشته باشند . البته در این مورد برگزاری منظم امتحانات یکی از عوامل موثر می‌تواند باشد . جدیت وانضباط در امر امتحانات وسراسری شدن آن ، در صورتی که سایر امکانات نیز مهیا شده باشند ، و کتب درسی در همه مدارس به موقع به پایان برسند و دیگر مانند سالهای گذشته ، کتابهای درسی نیمه تمام نمانند .

دانش‌آموزان آگاه ومتعهد باید از این اقدام سازنده ومفید استقبال بعمل آورند و خود نیز با علاقه‌مندی و ارائه پیشنهادات خلاقانه تر به مسوولین امر ، آنان را در طرح‌ریزی برنامه‌های اصولی و پیشرفته تشویق کرده و در اجرای چنین برنامه‌هایی با تمام توان خود ، مسوولین آموزش و پرورش را یاری دهند ، باشد که طرح و اجرای چنین برنامه‌هایی زمینه را برای دگرگونی بنیادین نظام آموزشی فراهم سازد .

بسیاری برای تشکیل اتحادیه سراسری دانش‌آموزان ایران!

معرفی کتاب

بلشویکها

سی ام اوت نوشته: میخائیل شتوف



می کند. امروز بر بستر ضعف و زبونی امپریالیسم باید به درسهای انقلاب سوسیالیستی در ۱۹۱۷ نگریست. امروز که در صحنه زورآزمایی ها جبهه انقلاب جهانی حرف آخر را می زند.

سی ام اوت ۱۹۱۸ است. شورای کمیسرهای خلق در اتاق کنفرانس شورا که با راهرویی به آپارتمان لنین راه دارد، جمع شده اند. در راهرو پشت یک دستگاه تلگراف جوانی نشسته و دخترکی متن تلگرافها را به او دیکته می کند:

" کمیته اجرایی زداونسک ... در برابر کولاکها و تفاله های انقلابیون سوسیالیست چپ که متحد آنها هستند قاطعانه اقدام کنید. بیانیه های خطاب به تپیدستان صادر کنید. آنها را سازمان دهید ... کولاکهای خون آشام باید بی رحمانه سرکوب شوند. رهبران قیام های ضدانقلابی علیه قدرت شوروی باید به دار آویخته شوند. ... (رئیس شورای کمیسرهای خلق - لنین)

همگی اعضا شورا حاضرند، تنها لنین است که دیر کرده. او پس از سخنرانی در بازار غله برای سخنرانی در میتنگی به یک کارخانه رفته است. این اولین بار در تاریخ مکتوب است که ولادیمیر ایلیچ در جلسه شورا تاخیر کرده است. طبق قاعده ای که خودش وضع کرده، هرکس تاخیر کند باید جریمه بپردازد. کمیسرها دارند ... می اندیشند که چگونه لنین از تاخیرش عذرخواهی خواهد کرد و چگونه جریمه را خواهد پرداخت. ناگهان در اتاق بشدت باز می شود. " اولیانوا " خواهر لنین خبر می آورد که ولادیمیر را با تیر زده اند. یک لحظه سکوت می شود.

" بلشویکها " (سی ام اوت) نمایشنامه ای است که در آن یکی از بحرانی ترین و حساس ترین لحظات عمر انقلاب کبیر اکبر تصویر می شود. لحظه ای که یکدم ناهشیاری، اندکی غفلت و یا ذره ای شتابزدگی و دستپاچگی در تصمیم گیری می تواند هستی انقلاب را در خطر نابودی قرار دهد.

اوت سال ۱۹۱۸ است. تازه اتحاد شوروی به عنوان اولین و " تنها " کشور سوسیالیستی در عرصه جهان قد برافراشته و نویدبخش عصری است که از فروپاشی سیستم امپریالیستی و گسستن زنجیرهای گران بردگی کار خبر می دهد. ریشه های این نهال جوان و بالنده، نهالی که فردا بر فراز گیتی سایه خواهد افکند، در زمین محکم شده است. امپریالیسم به خیال خود می خواهد پیش از آنکه نهال سوسیالیسم ریشه بدواند، محکم شود، به بار نشیند و الگوی راهبر مردم تحت ستم گردد، آن را برکند و برای همیشه خود را از شر سوسیالیسم برهاند! امپریالیستهای ژاپنی، آمریکایی و انگلیسی و ... از هر سو به مرزها یورش آورده اند. بخش های زیادی از سرزمین شوروی در اشغال دشمن است احزاب کادتها، اسارها (انقلابیون سوسیالیست) ناسیونالیستهای بورژوازی و در یک کلام ضدانقلاب داخلی با امپریالیستها به تبانی پرداخته، هدف واحدی را دنبال می کنند: نابودی جمهوری جوانان شوراها!

خبر اعدام دسته جمعی بسیاری از فعالین کمونیست توسط تجاوزگران از سرزمین های اشغالی می رسد. دم به دم کارگزاران اصلی جمهوری در داخل توسط اسارها دارند ترور می شوند. همین دیروز رئیس کمیته ویژه پتروگراد برای مبارزه با ضدانقلاب ترور شد. به این خاطر کارگران پتروگراد برانگیخته اند. کمونیستها از آنان می خواهند به خیابان نروند، ولی ممکن است تندروی های صورت گیرد.

اسارها (انقلابیون سوسیالیست چپ) که تا دیروز مخالف جنگ بودند، امروز که قرارداد صلح بسته شده، با آن مخالفند! اینان که دیروز با شعارهای ماوراء انقلابی به صحنه آمدند، امروز دست در دست کولاکها، گارد سفید و امپریالیستهای متجاوز به گشتار کمونیستها، به استیصال سرزمینها و به رهبری شورشیان ضدانقلابی پرداخته اند.

انقلاب در هر عرصه با مشکلات سهمگین روبروست. ارتش سرخ تازه دارد تشکیل می شود. هنوز تعدادش کم و فاقد تجربه لازم است. جنگ دارد در جبهه ها بهترین کمونیستها و بیشترین امکانات را می بلعد. کمبود غله و خواروبار باری بر دوش انقلاب افزوده است. اما انقلاب با فداکاری و جانبازی توده ها و تحت رهبری با درایت حزب از میان دشواری ها ره می گشاید، پیش می رود، و یکدم باز نمی ایستد.

وقتی امروز به خواندن این کتاب نشسته ایم. خوب است که برای رهگشایی و پیشروی انقلاب از تجارب این اولین انقلاب سوسیالیستی پیروزمند جهان درس بگیریم. همچنانکه جنبش های زمان ما تاکنون از اکبر بسیار آموخته اند.

در این شرایط اما، فقط توجه به یک نکته کاربست تجربیات را غنای واقعی می دهد، که نگاه کنیم که اوضاع جهان امروز چگونه است که ببینیم اردوگاه سوسیالیسم با کدام عظمت و با کدام وزنی در دنیا حضور دارد، که بنگریم چگونه طبقه کارگر در جهان با گام های استوارش پشت انحصارات امپریالیستی را به لوزه درآورده که جنبش های رهایی بخش با چه قدرتی لحظه به لحظه زنجیرهای سلطه امپریالیستها را پاره

تلگرافچی در راهرو به دخترک می گوید: بخوان، دخترک هق هق گریان گریه می کند " ولی نمی توانم ... " شاید حالا دیگر لازم نباشد

تلگرافچی سر او داد می کشد: " بهات می گم بخوان! بخوان! بخوان! " و دخترک گریه کنان می خواند:

به ولنسون، کمیسر خلق برای خواروبار در سمفروپول. با توجه به وخامت وضع خواربار در روسیه و کمبود شدید مواد غذایی برای کودکان، به ویژه بیماران، پیشنهاد می کنم که همه خشکبار و پنیر موجود در کریمه ... برای تغذیه کودکان بیمارستان روسیه ارسال شود (رئیس شورای کمیسرهای خلق - لنین)

لنن در اتاق خواب آپارتمان خود، بیخوش افتاده است. دکترها وضع او را وخیم گزارش می کنند. گلوله های ریه او را سوراخ کرده، کتفش شکسته و گلوله سومی گردن و مری او را مجروح کرده است. تنها یک امید باقی است: قلب لنن، قلب پرولتاریای شوروی آسیب ندیده است. همه در تلاشند " هر کار لازم باشد باید کرد حتی کار غیرممکن! " کمیسرها از کنار بستر لنن به اتاق کنفرانس باز می گردند. صندلی لنن خالی است. کسی نیست که بتواند جایش را بگیرد. فقط می توان تا حدی غیبتش را جبران کرد، یا سهرابر کردن آرامش، سهرابر کردن نظم و ترتیب هیچکس نمی تواند مسئولیتها را تماما به عهده بگیرد. حتی اگر این فرد لنن باشد. یک شخص جامع الاطراف، یک کل، یک دایره می تواند این کل عظیم را به عهده گیرد. این کل، حزب است. حزب می باید صفوف خود را در غیاب لنن فشرده تر کند تا بتواند کمبود او را جبران کند. کمیسرها همگی بر این مساله وحدت نظر دارند. جلسه تشکیل شده است. چه خوب است دستور کار جلسه شورا تا فردا به توفیق افتد! اما نه! شاید مسائل بسیار مهمی باشد که می بایست همین امروز حل شود، و در این شرایط مسائل بسیار مهم کم نیست. مشکل نان و کمبود غله و خواروبار، مساله ای همگانی است. گفتن اینکه " غله باید تهیه شود، آن را تهیه نخواهد کرد باید در پیش رو چشم اندازی داشت " شورای کمیسرهای خلق در این لحظات حساس دارد چشم انداز را تصویر می کند. وضع مزاجی لنن و انعکاس خبر ترور لنن در شهر مرتباً به شورا گزارش می شود

لنن از تشنگی عذاب می کشد، ولی نمی تواند آب بنوشد. به چند لیمو احتیاج است در مسکو لیمو پیدا نمی شود. حتما در یکی از سفارتخانه ها مقداری پیدا می شود. به تمام سفارتخانه ها مراجعه می کنند. همه آنها وقتی می فهمند لیمو برای چه کسی است از دادن امتناع می کنند.

در شهر غوغایی برپاست " وضع وخیم است مردم خواستار انتقام هستند. نمایندگان کارگران میدان سرخ را پر کرده اند " میتینگ های خودبخودی در شهر برپا شده. از فراز میتینگ ها صدای پرشور سخنرانان شنیده می شود: " ... دیگر نگذاریم این جلادان و کسانی که پشت سر آنها هستند آزاد بمانند. باید دشمنان را بیرحمانه صدا، صدا، هزارتا هزارتا بکشیم! بگذار انقلاب کبیر فرانسه را نمونه قرار دهیم. در برابر خون رفیق لنن، در برابر خون هزاران سرباز، کارگر و ناوی ... ما این قطعنامه را پیشنهاد می کنیم: ماده اول - ولادیمیر ایلیچ لنن باید زنده بماند. ماده ۲ - در پاسخ به سو قندهای خائنانه ما خواستار اعدام، یک اعدام انقلابی بی رحمانه هستیم! " ... خبرها می رسد. وضع شهرستانها به حالت

انفجار رسیده ، مردم می خواهند که اجازه دستگیری و اعدام های وسیع صادر شود . اما چنین اجازه های بدون فرمان شورای کمیسرهای خلق صادر نخواهد شد . خشم کور توده ها برگ برنده های به دست ارتجاعی ترین عناصر خواهد داد . و ما خواهان چنین چیزی نیستیم

نتایج بازجویی از ضارب پیوسته به شورا گزارش می شود : ضارب زنی است نادان . کم اطلاع و تا حدی هیستریک . حرف هایش انسجام ندارد . یک سوسیالیست انقلابی (اس - ار) است می گوید : " به این علت به لندن ترانندازی کردم که او را خائن به انقلاب می دانم و وجود او به آرمان سوسیالیسم لطمه خواهد زد " در زمان تزار مدتی زندانی بوده است همراه با کمونیست ها !

دو تن از اعضای شورا با هم نجوا می کنند : " تاریخ چه شوخی های تلخی دارد ! ما همراه با هم جنگیم ، با هم محاکمه شدیم ، با هم به تبعید رفتیم ، با هم در زندان کشیدیم ، با هم فرار کردیم ، با هم در " شوراها " کار کردیم ، و دست آخر به روی هم اسلحه می کشیم !

ولی آنها دست به خودکشی جنون زده ای زدند فرصت کافی داشتند در اپوزسیون بمانند ، و از ما انتقاد کنند و سعی کنند توده ها را به طرف خود جلب کنند . صاحب روزنامه بودند . صاحب تشکیلات بودند . هرچه را که یک حزب مخالف می توانست تصور کند در اختیار داشتند ... اما آنها راه توطئه در پیش گرفتند و به صورت مهره هایی در دست گارد سفید و کثافت های دیگر درآمدند ...

مساله فوق العاده پیچیده و فوری " اعدام انقلابی " در دستور کار توده ها و شورای کمیسرهای خلق قرار می گیرد . تصمیم فوق العاده مهمی می خواهد گرفته شود ، بنابراین جادار با حوصله و دقت همه جوانب آن بررسی شود . " همه دلایل له و علیه باید مورد بحث قرار گیرد " همه تجربه های موجود در این زمینه و از جمله تجربه " ژاکوبین ها " زیرا " تازمانی که شما همه اطلاعات لازم را در اختیار نداشته باشید ، نمی توانید تصمیم صحیحی بگیرید " به علاوه ، تاخیر هیچ وقت به اندازه وقتی که انسان خشمگین است ، مفید نیست " توده ها خشمگینند و " اعدام انقلابی " را طلب می کنند ، اما تن دادن به خشم کور می تواند به ضد خود تبدیل شود . از این روست که شورا ، یک لحظه از یاد نمی برد که " اعدام انقلابی " نه یک اعدام انتقام جویانه به خاطر رهبران ، بلکه اقدامی آگاهانه در جریان جنگ داخلی است . بنابراین می بایست مسیر دقیقاً معینی را طی کند ، وگرنه به جای فرستادن جنگ داخلی باعث تشدید آن خواهد شد . زیرا که " خون ، خون می خواهد ... " یک واکنش زنجیره ای ایجاد می کند

باید سنجید که " اعدام انقلابی " بر کارگران کشورهای غربی چه اثری می گذارد ؟ چه کسانی را در جبهه داخلی از دست می دهیم ؟ روزنامه ها چه خواهند نوشت و ...

اینک مرکز توجه معطوف به یک نکته است : نجات انقلاب . در این موقعیت کسی مخالف یا موافق " اعدام نیست " مساله بر سر زمان ، شدت و چگونگی پیشبرد آن است . اگر زیاد دیر شود انقلاب به سرنوشت " ژاکوبینها " دچار خواهد شد . " ژاکوبینها " در هر حال نابود می شدند . اما چرا به دست شاه سلطنت طلبان ، و مداخله گران از بین نرفتند ؟ حقیقت این است که آنها به دست کسانی از میان برداشته شدند که همراه آنها راه طولانی و دشوار انقلاب را در نور دیده بودند ! " آنها خود طعمه ترس و وحشتی شدند که بوجد آورده بودند " کار به جایی رسید که " اعدام به یک بهمن تبدیل شد " و خود آنها را نیز به زیر آورد . چرا چنین شد ؟

زیرا " آنها با وجود انرژی سیاسی فوق العاده ای که داشتند ، نشان دادند که نمی توانند راهحلی برای مشکلات اجتماعی پیدا کنند و تنها علت این مشکلات را در تفکر ضدانقلابی دشمنان انقلاب می دیدند " از اینرو " گیوتین به تنها وسیله حل همه مشکلات تبدیل شد ...

و " ما می ترسیم که ژاکوبینهای وطنی هم گلوله را به وسیله حل همه کشمکشها تبدیل کنند " قطعاً متوسل شدن به " چکا " خیلی آسان تر از استدلال کردن برای توده ها و منتشر کردن عقاید جدید در میان آنها از طریق توطئه و ترغیب است " نگرانی آنجاست که برخی رفقا همه دشواری های انقلاب را به توطئه های ضدانقلاب و عوامل متفقین نسبت می دهند ... وقتی بحران پیش می آید اگر فقط به داد و فریاد درباره عواصیل بیگانه اکتفا کنیم و از بررسی عاقلانه عملکردهای خود پرهیز کنیم ، در این صورت طبیعی است که به احساسات مردم متوسل شویم تا به عقل آنها و طبیعی است دست به عوام قریبی و دست آخر مرتکب جعل اتهامات ، دروغ و هر کثافت کاری دیگری بشویم

و باز هم تجربه ژاکوبینها پیش روست : " ارگان های اعدام در آغاز انتخابی و در برابر توده های انقلابی پاسخگو بودند ، حال آنکه در مرحله نهایی همه چیز تغییر کرده بود ... جای مقاماتی که به وسیله توده ها انتخاب می شدند و زیر نظارت آنها کار می کردند عواملی که به این کار منصوب شده و بابت آن حقوق می گرفتند اشغال کرده بودند . ارگان های اعدام با ارگان های حکومتی درهم آمیخته بودند و بدین گونه " جریان فساد تروریستی حکومت ژاکوبینها آغاز شد " سوء استفاده از قدرت به شدت افزایش پیدا کرد . آنها نمی توانستند علیه بوروکراسی رسمی دولت دست به عمل بزنند . چون اینک تنها پشتیبان آنها همین بوروکراسی بود " بدین ترتیب " کارکرد اجتماعی اعدام فراموش شد و رهبران اعدام را به وسیله نجات جان خود و حفظ قدرت تبدیل کردند

خبرهای گوناگون از تشنج ، شورش و حرکات خود بخودی هر لحظه به شورا می رسد . لیکن شورا برمساله سوار است . می داند دست زدن به چنین اقدام فوق العاده مهمی نباید به صرف احساسات و دنباله روی از توده ها صورت گیرد . بنابراین به ادامه بحث در مورد خط فاصل بین اعدام انقلابی مناسب و بیهوده می پردازد . و اینکه می بایست اقدامات ارگان های کیفری اعلام شود . نام همه کسانی که دستگیر می شوند همه مردگان و همه کسانی که به مرگ محکوم می شوند ، منتشر شود . افراد مسئول براساس یک معیار طبقاتی انتخاب شوند ...

شورا به این نتیجه می رسد که در این کار " باید بهترین افرادمان را بکار ببریم ... حتی کسانی که پیش از انقلاب عضو حزب بوده اند ... در این صورت گل های سرسبد حزبمان را زیر آتش مستقیم قرار خواهیم داد " اما چاره نیست . تازه برای یک کمونیست امضاء کردن حکم مرگ خودش آسانتر از امضای حکم مرگ دیگران است ... ولی مجبوری تا آخر این چرک و خون پیش بروی . هرچند قلبت را می شکند ... برای یک کمونیست کاری سخت تر از قتل قلبی بودن نیست " و این افتخار آنهاست زیرا " انقلاب هم به آدم هایی نیاز دارد که امضاء کردن حکم مرگ برایشان دشوار است " نه کسانی که به سادگی حکم مرگ امضاء می کنند " با وجود این " در تاریخ لحظه ای هست که خشونت ضروری است ... اما سوسیالیسم واقعی را نمی توان با تفنگ و سرنیزه به بار آورد . سوسیالیسم تنها به وسیله علم و آموزش زحمتکشان ، بوجود می آید " اکنون دیگر همه اعضای شورای کمیسرهای خلق

به جوانب مساله آگاهند و می بایست اقدامات عملی در این زمینه صورت گیرد . پیشنهادهای اساسی به عنوان مبنای فرمان ارائه شده است فرمان باید تئیمو اعلام شود .

جلسه دیگر رسمی نیست . اعضای شورا با رنجی سنگین با هم گفتگو می کنند :

— بیهوده یاد داری سالیهای تبعید . آن کلبه فلاکت زده در سیبری . جنگلهای متراکم ، آن افسر کینه جو ، گرسنگی و ... آن وقت ها خیلی آسان تر از حالا بود ... آموختن انقلاب خیلی دشوار است . انقلاب موضوع خیلی عمیق و پیچیده ای است ... من در این فکرم که آیا بعد از پیروزی هم تغییری نخواهیم کرد ؟

— البته ، ولی ما باید خیلی مراقب باشیم

— " پیرمرد " می توانست ، او همیشه اولین کسی بود که اخطار می کرد . صدای دخترک از راهرو می آید . دارد متن تلگراف را می خواند :

... شکایت نامهای از ایوان بوگدانف دریافت داشته ام که می گوید پسر هفده ساله اش را که مبتلا به برونشیت است به اتهام خرابکاری دستگیر کرده اند . موضوع را با توجه به وضع مزاجی ، بی تجربگی و جوانی شخص دستگیر شده مجدداً بررسی کنید ... نتیجه را تلگراف کنید

(رئیس شورای کمیسرهای خلق - لندن)

لنبن همچنان در اتاق بیپوش افتاده است هیچکدام از اعضای شورا شب به خانه نمی روند . همه از روی غریزه به هم چسبیده اند . مثل بچه ها وقتی که مشکلی برایشان پیش می آید همه در اتاق کنفرانس اند . برخی روی صندلی ، برخی روی روزنامه هایی که گف اتاق پهن کرده اند و برخی کنار پنجره نشسته اند . کسی خواب نیست . است . کمیسرها گاهگاه چند جمله ای زیر لیسب می گویند . انگار افکارشان را به صدای بلند بیان می کنند .

... او می دانست که چگونه بهترین خصوصیات را بکار ببندد ، او ظرفیت های پنهانی را در ما می دید که خودمان حتی حدش را هم نمی زدیم . در هر کدام از ما اندکی لنبن وجود دارد ... اگر او زنده نماند ...

— ما باید به جمع تکیه کنیم . به یکدیگر . او به هر کاری با تمام وجودش می پرداخت . هیچ چیز را بروز نمی داد و اغلب شدیداً رنج می برد . بخصوص وقتی که در حزب شکافی می افتاد . وقتی مجبور بود با دوستان بهم بزند .

بناگاه همه سکوت می کنند . صدای قدم های کسی که از جانب آپارتمان لنبن می دود شنیده می شود . همه وحشت زده به در خیره می شوند . یک نفر به اتاق کنفرانس هجوم می آورد :

... دکترها ... بحران تمام شد ... او گفت او خودش گفت ... ما به مبارزه ادامه خواهیم داد .

سکوت و سپس انفجاری از شادی ، همه از جا می جهند . همدیگر را در آغوش می گیرند و با هم می خوانند :

برخیزید ای بخواب رفته گان
پس رفقا گرد آئید
و نبرد نهایی را گمربندید
انترناسیونال
و حدت بخش بشر است

* — در کتاب به جای " اعدام انقلابی " - تسرور سرخ آورده شده است .

در آستانه ۱۶ آذر



روز دانشجو

• شانزدهم آذر ماه هر سال یادآور مبارزات دوره‌های مختلف دانشجویان ایران است. از آن روزی که دانشگاه تهران افتتاح شد تا به امروز، جنبش دانشجویی تجارب بسیاری را اندوخته. از نشیب و فرازهای گوناگون گذشته و خطرات خوب و بد بسیاری را بیاد می‌آورد. اما یک نکته در این میان بارز بوده است. اینکه جنبش دانشجویی در دوره‌های اعتلاء و رکود مبارزه همواره از پایه‌های محکم جنبش خلق بحساب می‌آمده. از ایجاد اتحادیه دانشجویان دانشگاه تهران در اسفند ۲۳ تا شرکت وسیع دانشجویان در نهضت ملی شدن نفت از مقابله با حکومت کودتا در شانزدهم آذر ۳۲ تا مبارزات سالهای ۳۹ تا ۴۲ و از مقاومت پرشکوه دهه پنجاه تا شرکت در انقلاب عظیم خلق در بهمن ۵۷، جنبش دانشجویی کارنامه مطمئن و محکمی ارائه می‌کند: با جنبش خلق علیه امپریالیسم

پس از انقلاب جنبش دانشجویی و مضامین فعالیت‌های آن دچار دگرگونی گردید. این مضمون بسیج، تشکل و تأمین وحدت دانشجویان برای مبارزه با توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا شرکت فعال دانشجویان در سازندگی ایران و حرکت فعال برای دگرگونی بنیادین نظام آموزش عالی بود.

جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب می‌توانست نقش ویژه و تاریخی خود را در قبال مردم ایفاء نماید. جنبش دانشجویی این توان را داشت که با کوشش پیگیر در انجام وظایفش نقش شایسته‌خویش را در قبال انقلاب به انجام رساند. اما اینک که در آستانه ۱۶ آذر ۶۰ هستیم، دومین سال برگزاری روز دانشجو است که دانشگاه‌های ایران تعطیل مانده‌اند. دانشگاه‌های ایران می‌توانستند: — اولاً به‌منابه مرکزی برای تربیت کادر متخصص و متعهد در خدمت سازندگی ایران انقلابی باشند.

ثانیاً به عنوان یک سنگر مستحکم تجمع نیروهای آگاه و ضدامپریالیست مراکز خوبی برای بسیج نیروها در خدمت جبهه‌های جنگ، جهاد سازندگی و نهضت سوادآموزی باشند تا وسیع‌ترین بخش از توده‌های دانشجو را در پیشبرد انقلاب مشارکت دهند و بکارگیرند.

جنبش دانشجویی در شانزده آذر امسال می‌توانست با افتخار، کارنامه دیگری از مبارزات ضدامپریالیستی‌اش در نظام جمهوری اسلامی، در کنار جنبش عظیم خلق ارائه دهد.

نیمه از صفحه ۲

جریان‌ات بازدارنده انقلاب را ...

استقلال طلبان و صدامپریالیستی خود را به پیروزی رساند. و در این میان امری که امپریالیسم و ارتجاع را بکار آمده است، جریانی است که وظیفه اصلی خود را امروز مخدوش کردن مرز دوستان و دشمنان انقلاب، چه در عرصه داخلی و چه خارج و ایستادگی در مقابل اصلاحات اجتماعی اقتصادی فرار داده است. شاهد آن هستیم که افشای این جریان و بر ملا کردن نقش مستقیم آن در خدمت از زیر ضرب خارج کردن امپریالیسم جنایتکار آمریکا در دستور انقلاب و نیروهای متعهد و انقلابی قرار گرفته است. جریانی که در چهارچوب و جامه‌ای دیگر همان نقش لیبرالی‌ها و سازشکاران را در توقف و به شکست کشاندن انقلاب ایفا می‌کند. انقلاب مایه رود تادر مبارزه‌ای پیچیده و دشوار این جریان انحرافی را افشاء و از صحنه سیاسی خارج کند.

اما وظیفه عاجل در جریان این مبارزه سخت آن است که عملکرد امروزی این جریان در عرصه‌های مختلف باز شناخته شده و محدود و عقیم گردد و از این دیدگاه است که ما سخنان ذکر شده را مورد توجه قرار داده‌ایم.

آموزش و پرورش رسالت تعلیم و تربیت میلیون‌ها نوجوان دانش‌آموز را بدوش می‌کشد و از این روست که از موقعیتی حیاتی در رابطه با انقلاب و آینده آن برخوردار است. نهادهای آموزش و پرورش باید جایگاه ترویج و اشاعه آخرین، مترقی‌ترین و پیشروترین ایده‌ها و آرمان‌های انقلاب و بایکاد سازندگی انسان‌های نوین برای بدوش کشیدن وظایف و رسالت‌های انقلابی فردا باشد.

و بدین لحاظ برخورد ریزبانانه و موشکافانه‌ای

لازم است تا سازمانها، ارگانها، مسئولین و حتی عناصری که در این نهاد سازمان یافته‌اند مورد ارزیابی قرار گیرند و سازگاریشان با انقلاب و تعهدشان

نسبت به اهداف و آرمان‌های جمهوری اسلامی ملاک و معیار قرار گیرد. این برجسته‌ترین ملاکی است که می‌تواند بکار آید و تازمانی که این تعهد نسبت به اهداف انقلاب و خدمت دلسوزانه در جهت تحقق آن ملاک قرار نگیرد، همواره می‌تواند جریانات غیرانقلابی و حتی ضدانقلابی در پوششهای گوناگون و رنگارنگ به حرکت خود در این نهاد ادامه داده و این نهاد فراگیر توده‌های میلیونی دانش‌آموزان را به فساد بکشانند.

ارزیابی عملکردهای مشخص هراکان و هر مسئول در رابطه با اختیارات و محدوده وظایف البته امری است پیچیده و دشوار و در میان انبوه معضلات و مسائل اگرچه خطاها را می‌شود دید و تشخیص داد اما سرمشاق آنها و کارگزاران این اعمال خلاف مصالح انقلاب را شاید نتوان براحته تمیز داد، روشن است که تصفیه بی‌رویه معلمین دلسوز و مجرب از آموزش و پرورش، کارشکنی در ثبت نام محصلین متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی، ایجاد تفرقه و نفاق بین دانش‌آموزان در محیط مدرسه و... همگی مفایر مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی است و ریشه در جریان انحرافی و یا حتی دست‌های مشکوک دارد. امروز اما در این درجه از رشد و تعمیق انقلاب و اوجگیری انقلاب خطوط هر چه تمایز بیشتری می‌یابد و از ورای پیچیدگی‌ها جریانی خاصی خود را به نمایش گذاشته است. جریانی که هویت خود را در ضدیت با اصلاحات اجتماعی و مخدوش کردن دوستان و دشمنان انقلاب می‌یابد. ما با قاطعیت بار دیگر تاکیدی کنیم که بدون

تردید، غالب اقدامات و تصمیم‌گیریهای غیراصولی و متضاد با اهداف انقلاب را که در ارگانهای مختلف آموزش و پرورش صورت گرفته و می‌گیرد و منجر به آن شده است که آموزش و پرورش ما گام‌های بسیاری از انقلاب عقب باشد، ریشه در حضور فعال این جریان در آموزش و پرورش دارد.

با اعتقاد ما امروز مسئولین مملکتی می‌توانند و باید که سایه شوم این جریان بازدارنده انقلاب را از آموزش و پرورش برانند. انقلاب ما با صراحت آمریکا را دشمن خود قلمداد می‌کند و این امر هر روز با روشنی و قاطعیت بیشتری از زبان مسئولین بالای مملکتی و بویژه رهبری انقلاب شنیده می‌شود امروز فریاد مرگ بر آمریکا با طنین کوبنده‌تری از دهان توده‌های میلیونی شنیده می‌شود و جمهوری نوپای ما می‌رود که دست دوستی کشورهای ضد امپریالیست و کشورهای مترقی جهان را در مبارزه برای استقلال و علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بفشارد. و در این میان ایده‌ها و نظراتی که به این صراحت دوستان انقلاب ما را دشمن قلمداد می‌کنند جایی ندارند و نباید عنوان امور راحتی در محدودترین حوزه‌ها در دست داشته باشند. اینان هیچ کمکی به پیشرفت انقلاب ننموده و علیرغم ادعاهای انقلابی و چهره‌های انقلابی که برای خود ساخته‌اند تنها به انقلاب لطمه می‌زنند و راه ترقی و تعالی آنرا مسدود می‌نمایند. اینان در ماهیت امر غیراز آنچه که لیبرالی‌ها می‌خواهند و سازشکاران و سه جبهه‌ای‌ها در آن جهت تلاش می‌کردند، نمی‌خواهند.

آموزش و پرورش با ایندما "خود را از این پیرایه‌ها برداید و متکی به خط انقلاب، و در جهت تحقق اهداف آن با تلاشی دوچندان به ترمیم ضایعاتی که این جریان در آموزش و پرورش ایجاد کرده است نیز بپردازد.

دانشگاه‌ها و مدارس عالی باید هر چه سریع‌تر گشوده شوند

برای تحقق واقعی دگرگونی سادس در نظام آموزش عالی برای پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و فرهنگی مهبسان